اطراف پنهان قرارداد داوری در «گروه دولت‌ها»

دکتر محمدعلی بهمئی *

فهیمه مرادی **

چکیده

روابط پیچیده اقتصادی در دنیای امروز موجب حضور دولت و یا اشخاص عمومی تحت تملک یا کنترل آن در قراردادهای تجاری بین‌المللی شده است. انتخاب داوری به‌عنوان شیوه حل اختلاف در اکثر این قراردادها متداول است. اغلب این شخص عمومی دولتی است که به‌طور مستقیم قرارداد حاوی شرط داوری را امضا می‌کند. با این حال، مداخله و مشارکت فعال دولت در مراحل مختلف مذاکره، انعقاد، اجرا و یا خاتمه قرارداد یاد شده این پرسش را به ذهن متبادر می‌سازد که ایا می‌توان دولت را به‌عنوان طرف پنهان قرارداد داوری شناسایی کرد. این موضوع در فرضی که دولت قرارداد حاوی شرط داوری را امضا می‌کند و شخص عمومی در مراحل مختلف حیات قرارداد فعالانه نقش‌افرینی می‌نماید، در مورد شخص عمومی غیرامضاکننده قرارداد یاد شده قابل طرح است. به‌نظر می‌رسد شناسایی دولت یا شخص عمومی غیرامضاکننده به‌عنوان طرف واقعی اما پنهان

---

* استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

** دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین‌الملل از دانشگاه شهید بهشتی.

قرارداد داوری تابع تفسیر و احراز اراده مشترک و متقابل اطراف رابطه حقوقی و کشف انتظارات معقول و منصفانه آن‌ها در پرتوی اصل «حسن نیت» می‌باشد.

کلید واژگان

طرف پنهان قرارداد داوری، اشخاص غیرامضاکننده‌ی قرارداد حاوی شرط داوری، گسترش شرط داوری, گروه دولت‌ها.

مقدمه

۱. با وجود انکه در دهه‌های اخیر روند خصوصی‌سازی اقتصاد در تمام کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه به طرز قابل ملاحظه‌ای شتاب گرفته است، همچنان در برخی حوزه‌ها مانند صنایع نفت و گاز، عمران و امور زیربنایی، دولت و یا اشخاص عمومی تحت تملک یا کنترل آن طرف قراردادهای تجاری بین‌المللی قرار می‌گیرند. یکی از مواردی که زمینه‌ی متعادل ساختن مواضع دو طرف این قراردادها یعنی دولت یا شخص عمومی دولتی از یک طرف و شخص خصوصی خارجی از طرف دیگر را فراهم آورد، درج شرط داوری به‌عنوان شیوه حل و فصل اختلافات در قرارداد بود. شرطی که سرمایه‌گذار خارجی را از رجوع به دادگاه‌های ملی دولت میزبان بی‌نیاز می‌ساخت و موجب تمایل بیشتر سرمایه‌گذاران خارجی به انعقاد و اجرای قراردادهای تجاری بین‌المللی در کشورهای در حال توسعه گردید.

۲. بی‌گمان انعقاد قرارداد حاوی شرط داوری از سوی دولت یا شخص عمومی دولتی به منزله‌ی اعراض از مصونیت خود و پذیرش صلاحیت دیوان داوری برای رسیدگی به اختلافات ناشی از قرارداد است. اما در برخی از موارد، مداخله یا حضور دولت در مراحل مذاکره، انعقاد، اجرا و یا خاتمه‌ی قرارداد حاوی شرط داوری که شخص عمومی دولتی به‌طور مستقیم امضا کرده است و یا به عکس، دیوان داوری را با مسئله تعیین اطراف واقعی قرارداد داوری مواجه می‌کند. در واقع، پرسش این است که ایا قلمرو شخصی شرط داوری که به امضای دولت یا شخص عمومی دولتی رسیده است، نسبت به دیگری گسترش می‌یابد؟

۳. به‌طور خاص، تعیین اطراف واقعی «قراردادهای دولتی»[1] در دو وضعیت قابل بررسی و مطالعه می‌باشد:

وضعیت اول، به روابط عمودی[2] بین دولت و شخص عمومی مربوط می‌شود که از آن با عنوان «گروه دولت»، «گروه دولتی» و یا «گروه مختلط»[3] یاد می‌شود.[4] در این حالت، دو فرض قابل تصور است: اول، فرضی که قرارداد حاوی شرط داوری به امضای شخص عمومی یا دولتی رسیده و مساله، شناسایی یا عدم شناسایی دولت به‌عنوان طرف پنهان قرارداد داوری است. دوم، فرضی که خود دولت قرارداد حاوی شرط داوری را امضا کرده و گسترش قلمرو شخصی شرط داوری به شخص عمومی وابسته به دولت مطرح می‌گردد.

وضعیت دوم، ناظر بر روابط افقی[5] بین چند دولت است که از آن به «گروه دولت‌ها»[6] تعبیر می‌شود.[7] در این حالت، دو یا چند دولت شخصیت حقوقی مستقلی را ایجاد می‌کنند و مسئله این است که اگر این شخص که برخلاف وضعیت اول شخص عمومی تابع حقوق بین‌الملل است، قرارداد حاوی شرط داوری را منعقد کند، ایا آثار شرط داوری مندرج در آن قرارداد به دولت‌های ایجادکننده‌ی شخص حقوقی در مقام خواهان یا خوانده‌ی دعوا

1. State Contracts, in French: Contrats d'etat.
2. Vertical Relations, in French: Relations verticales.
3. Group of State/State Group/Mixed Group, in French: Groupe d'etat/Groupe étatique/ Groupe mixte.
4. Leboulanger, Philippe, 'Groupes d'etat(s) et arbitrage', Rev. arb., 1989, Nº 3, pp. 415-416.
5. Horizontal Relations, in French: Relations horizontales.
6. Group of States, in French: Groupe d'etats.
7. Ibid., p. 416.

تسری می‌یابد؟

۴. بر این اساس، در این پژوهش تلاش می‌شود با استناد به رویه داوری و قضایی موجود در دو فرض گروه دولتی عمودی (گفتار اول) و گروه دولتی افقی (گفتار دوم) به مطالعه این موضوع پرداخته شود که دیوان داوری یا دادگاه ملی در چه شرایطی می‌تواند دولت یا شخص عمومی دولتی غیرامضاکننده قرارداد حاوی شرط داوری را به‌عنوان طرف پنهان قرارداد یاد شده شناسایی کند.

گفتار اول ـ گروه دولتی عمودی

۵. در گروه دولتی عمودی که متشکل از دولت و شخص عمومی دولتی است، دو حالت قابل تصور است: اول، موردی که قرارداد حاوی شرط داوری از سوی شخص عمومی دولتی منعقد و امضا شده است، ولی طرف دیگر قرارداد خواستار شناسایی دولت به‌عنوان طرف پنهان قرارداد داوری می‌باشد (بند اول). دوم، موردی که با وجود انکه خود دولت طرف مستقیم قرارداد حاوی شرط داوری است، طرف دیگر به دلایلی می‌خواهد شرط داوری را به شخص عمومی دولتی نیز گسترش دهد و آن را به‌عنوان طرف پنهان قرارداد داوری به رسیدگی داوری بکشاند (بند دوم).

بند اول ـ دولت به‌عنوان طرف پنهان قرارداد داوری

۶. اغلب تمایل دولت‌ها این است که شخص عمومی تحت تملک یا کنترل آن‌ها که البته دارای شخصیت حقوقی مستقلی است، طرف قرارداد حاوی شرط داوری قرار گیرد.

در این موارد که قرارداد حاوی شرط داوری به‌طور مستقیم به امضای شخص عمومی رسیده، طرف دیگر قرارداد ممکن است به دلایل و انگیزه‌های مختلف از جمله توان مالی اندک شخص عمومی تلاش کند ثابت نماید که دولت، طرف قرارداد او بوده است و یا برای مطالبه خسارات ناشی از نقض قرارداد به دلیل تغییر قانون و یا مشکلات اداری دستگاه‌های مختلف دولتی، در مقام اثبات این ادعا برآید که دولت و شخص عمومی، شخص واحدی را شکل می‌دهند تا به این ترتیب، امکان معافیت شخص عمومی از مسئولیت قراردادی بر مبنای قوه قاهره از بین برود.[۸] در چنین شرایطی، دیوان‌های داوری و دادگاه‌های ملی با مسئله تعیین اطراف اشکار و پنهان یا اطراف واقعی قرارداد داوری مواجه می‌شوند. در این قسمت، برخی از معروف‌ترین ارای داوری و قضایی صادر شده در این خصوص مورد مطالعه و تحلیل قرار می‌گیرد.

الف ـ پرونده «پیرامید»

۷. یکی از مشهورترین دعاوی که در آن شناسایی دولت به‌عنوان طرف پنهان قرارداد داوری به‌طور مفصل مورد بررسی قرار گرفته، پرونده «پیرامید» است. در این پرونده، دو قرارداد با موضوع ایجاد مجموعه‌ای گردشگری در نزدیکی اهرام مصر منعقد شده بود. قرارداد اول، موافقت‌نامه چارچوبی بود که در تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۴ بین وزیر

8. Rosenberg, George, 'State as Party to Arbitration', Arbitration International, Vol. 20, No. 4, 2004, p. 388.

گردشگری مصر و «سازمان عمومی گردشگری و هتل‌های مصر» با نام اختصاری «اگوت» از یک طرف و شرکت هنگ‌کنگی با نام اختصاری «اس. پی. پی.» از طرف دیگر منعقد شده بود که به‌موجب آن، قرار بود شرکت مشترکی که شصت درصد سرمایه آن متعلق به شرکت «اس. پی. پی.» و چهل درصد دیگر سرمایه آن متعلق به «اگوت» باشد، برای اجرای پروژه ایجاد گردد. در این موافقت‌نامه هیچ شرط داوری درج نشده بود. کمتر از سه ماه بعد، در تاریخ ۱۲ دسامبر ۱۹۷۴ قرارداد دومی (قرارداد تکمیلی) بین «اگوت» و شرکت «اس. پی. پی.» منعقد گردید که حاوی شرط داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی (ای. سی. سی.)[9] در پاریس بود. برخلاف قرارداد اول، وزیر گردشگری مصر در صفحه اخر این قرارداد، پس از امضای نمایندگان دو طرف، عبارت «تایید شد، قبول شد و تصویب گردید» را درج کرده و آن را به امضا رسانید.[10]

پس از لغو این پروژه به دلایل سیاسی از سوی مقامات مصری، شرکت هنگ‌کنگی «اس. پی. پی.» دعوای داوری را نه تنها علیه «اگوت» بلکه هم‌چنین علیه دولت مصر که به‌طور رسمی طرف قرارداد حاوی شرط داوری نبود، اغاز کرد. در نتیجه، دولت مصر با این استدلال که هرگز به داوری ابراز رضایت نکرده است، به صلاحیت دیوان داوری

9. International Chamber of Commerce (ICC), in French: Chambre de commerce internationale (CCI).
10. Affaire nº 3493 de la CCI, 16 Février 1983, Southern Pacific Properties Limited (S.P.P.), S.P.P. (Middle East) Limited c/ La République Arabe d'Egypte et The Egyptian General Organization for Tourism and Hotels ("E.G.O.T.H.") (L'affaire "Pyramides"), Rev. arb., 1986, Nº 1, pp. 105 et suiv., spéc. pp. 105-106; For excerpts translated into English, see: ICCA Yearbook Commercial Arbitration (hereinafter: Y.C.A.), Vol. IX, 1984, pp. 111 et seq.; I.L.M., Vol. 22, 1983, pp. 752 et seq.

نسبت به خود اعتراض نمود.

ادعای خواهان‌ها در این دعوا این بود که دولت مصر به سه دلیل طرف قرارداد دوم بوده است: «اول، به دلیل امضای این قرارداد از سوی وزیر گردشگری مصر؛ دوم، به این دلیل که «اگوت» تنها از جانب خود اقدام نکرده، بلکه از جانب دولت مصر نیز اقدام کرده است؛ و سوم اینکه دولت مصر و «اگوت» را باید شخص واحدی در نظر گرفت». خواهان‌ها هم‌چنین استدلال می‌کردند که ارتباط نزدیک دو قرارداد موجب گسترش شرط داوری مندرج در قرارداد دوم به قرارداد اول (قرارداد فاقد شرط داوری) می‌گردد.[۱۱]

در مقابل، دولت مصر هرگونه مداخله از جانب خود در قرارداد دوم را انکار و اعلام کرد که امضای قرارداد دوم از سوی وزیر گردشگری مصر هیچ گونه اثر قراردادی نداشته است؛ زیرا مداخله وزیر گردشگری تنها به منظور اعلام موافقت خود به‌عنوان رئیس کمیته اداری «اگوت» با مشارکت این سازمان در پروژه و یا برای کنترل و نظارت بر این قرارداد بر اساس قوانین مصر صورت گرفته است. به این ترتیب، این امضا تعهدی برای دولت مصر ایجاد نکرده است.[۱۲]

۸. دیوان داوری در مقام بررسی صلاحیت خود ابتدا چنین استدلال کرد که این واقعیت که قانون شماره ۴۳ مصر مورخ ۱۹۷۴ داوری را به‌عنوان روش حل اختلافات مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی شناسایی کرده، برای احراز اراده دولت مبنی بر پذیرش

11. Rev. arb., op. cit., p. 106.
12. Ibid., pp. 106-107.

داوری بین‌المللی کفایت می‌کند. افزون بر آن، «دولت قبول کرده که «اگوت» شرط داوری ای. سی. سی. را بپذیرد؛ بنابراین، *بعید به نظر نمی‌رسد* که دولت می‌خواسته خود نیز به همان دیوان برای حل اختلافات مربوط به همان پروژه ... رجوع کند؛ به جای انکه پرونده را به دو مرجع کاملا متفاوت ارجاع دهد» (تاکید از نویسنده است).[۱۳]

دیوان سپس افزود: «حتی اگر بپذیریم که موافقت وزیر به دلیل رویه داخلی یا آیین اداری ضروری بوده، روشن است که فقدان آن بر اعتبار قرارداد بین «اگوت» و شخص ثالث بی‌تاثیر بوده و اصلا ضرورتی نداشته است» و شرایط پرونده گویای آن است که وزیر گردشگری مصر نه تنها قرارداد را تایید نموده، بلکه آن را از جانب دولت مصر نیز قبول کرده است.[۱۴]

دیوان داوری در پایان بیان کرد که با توجه به انکه تمام تعهدات «اگوت» به‌موجب قرارداد اول در قرارداد دوم قید گردیده و در قرارداد، شرط قوه قاهره درخصوص اقدامات دولت درج شده است، تعهد تکمیلی دولت از نظر شرکت «اس. پی. پی.» کاملا ضروری بوده تا به این ترتیب، دولت مصر از این پروژه حمایت کند و از اصلاح یا خاتمه قرارداد خودداری نماید. در نتیجه، از نظر دیوان داوری، «امضای وزیر مصر نه تنها به معنای تایید دولت نسبت به تعهدات قراردادی پذیرفته شده از سوی «اگوت» مطابق با قانون مصر بوده، بلکه هم‌چنین بقای توافق دولت و حمایت او از این پروژه را برای سرمایه‌گذار تضمین

13. Ibid.
14. Ibid., pp. 110-111.

می‌کرده است». به این ترتیب، دیوان داوری دولت مصر را طرف قرارداد قلمداد و صلاحیت خود را نسبت به آن احراز کرد.

۹. به‌نظر می‌رسد استدلال‌های دیوان داوری در این پرونده از چند جهت قابل خدشه است: اولا، صرف انتخاب داوری به‌عنوان روش حل اختلافات مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی در قانون شماره ۴۳ مصر به معنای قبول داوری از سوی دولت مصر در مورد تمام قراردادهای این حوزه نیست؛ زیرا داوری پیش‌بینی شده به‌عنوان شیوه حل اختلاف در قانون ملی یاد شده ناظر بر اختلافات مربوط به نقض این قانون است و به قراردادهای سرمایه‌گذاری که ممکن است حاوی شرط داوری باشند یا خیر، ربطی ندارد. بنابراین، دولت مصر تنها ملزم به شروط داوری مندرج در قراردادهایی است که به‌طور مستقیم طرف آن‌ها بوده و با ابراز رضایت به شرط داوری از مصونیت خود اعراض کرده است. ثانیا، گسترش شرط داوری مندرج در یک قرارداد به قرارداد دیگر مستلزم احراز اراده مشترک و روشن طرفین است؛ حال انکه دیوان داوری در این پرونده بر مبنای احتمالات (با توجه به عبارت «*بعید به نظر نمی‌رسد*») به تفسیر اراده طرفین پرداخته است. ثالثا، همان‌طور که فیلیپ لوبولانژه، حقوق‌دان فرانسوی نیز اشاره می‌کند،[۱۵] مشخص نیست دیوان داوری بر مبنای کدام اصل و قاعده حقوقی ادعا کرده که چون فقدان موافقت وزیر بر اعتبار قرارداد بی‌تاثیر بوده، پس آن امضا ضرورت نداشته است. بی‌گمان اعلام موافقت

15. Leboulanger, Philippe, 'Etat, politique et arbitrage - L'affaire du Plateau des Pyramides', Rev. arb., 1986, № 1, p. 17.

از سوی وزیر مصر لازم بوده است؛ زیرا قوانین مصر کنترل و نظارت شدیدی را بر قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی مقرر داشته‌اند.

بر این اساس، به نظر می‌رسد وزیر گردشگری مصر با امضای این قرارداد به‌موجب قوانین مصر نظارت و کنترل اداری دولت مصر بر پروژه را تامین کرده و بی‌گمان باید بین فرضی که دولت خود طرف قرارداد دولتی است و فرضی که دولت تنها بر اعمال حقوقی شخص عمومی تابع خود اعمال کنترل و نظارت اداری می‌کند، تمییز قایل شد؛ چراکه در فرض اول، دولت متعهد به تمام شروط قراردادی از جمله شرط داوری می‌شود و با پذیرش صلاحیت دیوان داوری از مصونیت خود صرف‌نظر می‌کند؛ اما، در فرض دوم صرف کنترل اداری بر اعمال حقوقی شخص عمومی، دولت را طرف مستقیم قرارداد و شرط داوری ضمن آن نمی‌نماید.[۱۶] تفسیر شکلی قرارداد در این پرونده نیز دلالت بر آن دارد که اگر قصد و اراده واقعی طرفین این بود که وزیر گردشگری مصر به نمایندگی از دولت مصر طرف قرارداد دوم باشد، او نیز در کنار امضای نمایندگان دو طرف قرارداد رضایت خود را ابراز می‌نمود و دلیلی نداشت که برخلاف طرفین قرارداد تنها ذیل صفحه اخر را مورد تایید قرار دهد.

۱۰. پس از صدور رای داوری، دولت مصر از دادگاه تجدیدنظر پاریس ابطال رای را درخواست کرد. استدلال دولت مصر این بود که دیوان داوری مصونیت قضایی آن را

16. Lew, Julian D.M., Mistelis, Loukas A., Kröll, Stefan M., Comparative International Commercial Arbitration, Kluwer Law International, 2003, p. 740.

نقض کرده است.[۱۷]

۱۱. دادگاه تجدیدنظر پاریس با بررسی دو قرارداد منعقد شده و پروژه‌ی موضوع آن‌ها چنین اظهار داشت که قرارداد اول که بین سه طرف منعقد شده، حاوی هیچ شرط داوری نبوده است. هم‌چنین قانون شماره ۴۳ مصر مورخ ۱۹۷۴ که در این قرارداد مورد اشاره قرار گرفته، تنها داوری را از میان روش‌های مختلف حل اختلاف انتخاب کرده و نمی‌توان از آن چنین استنباط کرد که دولت مصر شرط داوری مندرج در قرارداد دوم منعقده بین «اگوت» و شرکت «اس. پی. پی.» را قبول و از مصونیت خود اعراض کرده است.[۱۸] به علاوه، «دولت مصر در میان اطراف قرارداد دوم و در نتیجه مرتبط با آن نبوده و موافقت وزیر گردشگری مصر ... دلالت بر قصد دولت مبنی بر انکه با اعراض از مصونیت خود طرف آن قرارداد گردد، ندارد. عبارت «تایید شد، قبول شد و تصویب گردید» نیز باید با توجه به کارکرد قانون مصر که به وزیر گردشگری اختیار نظارت بر اماکن گردشگری را واگذار می‌کند، معنا گردد. این عبارت ... هم‌چنین باید با توجه به بیانیه‌ای که در روز انعقاد قرارداد دوم بین دو طرف این قرارداد به امضا رسیده و در آن قید شده که تعهدات «اگوت» منوط به موافقت مقامات دولتی صالح خواهد بود، تفسیر شود».[۱۹]

از نظر این دادگاه، امضای قرارداد دوم از سوی وزیر گردشگری مصر برای دولت

17. Paris (1re Ch. suppl.), 12 Juillet 1984, République Arabe d'Egypte c/ Southern Pacific Properties Ltd. et Southern Pacific Properties (Middle East) Ltd., Rev. arb., 1986, Nº 1, pp. 75 et suiv., spéc. p. 78; J.D.I., Vol. 112, Nº 1, 1985, pp. 130 et suiv.; For excerpts translated into English, see: I.L.M., Vol. 23, 1984, pp. 1048 et seq.
18. Rev. arb., op. cit., p. 81.
19. Ibid., p. 82.

مصر تعهد رسمی ایجاد نکرده و او را طرف این قرارداد ننموده است؛ بلکه صرفا ابراز موافقت مقام نظارتی نسبت به این پروژه بوده است.[۲۰] به این ترتیب، دادگاه تجدیدنظر پاریس رای داوری صادر شده را به دلیل فقدان رضایت دولت مصر به داوری و در نتیجه عدم صلاحیت دیوان داوری نسبت به آن ابطال کرد.[۲۱]

۱۲. قابل توجه است که با فرجام‌خواهی شرکت «اس. پی. پی.» نسبت به تصمیم دادگاه تجدیدنظر پاریس،[۲۲] پرونده «پیرامید» در دیوان‌عادی کشور فرانسه مطرح شد. این

20. Ibid., p. 83.
21. Ibid., p. 86.
برخی از حقوق‌دانان معتقدند استدلال دادگاه فرانسوی با ظاهر قرارداد که آشکارا مبین ابراز رضایت وزیر مصری نسبت به شروط قراردادی است، سازگاری ندارد. ببینید:

Born, Gary B., International Commercial Arbitration, Vol. I, Kluwer Law International, The Netherlands, 2009, p. 1204.

۲۲. شایان توجه است که پس از ابطال رای دیوان داوری از سوی دادگاه تجدیدنظر پاریس، شرکت «اس. پی. پی.» علاوه بر فرجام‌خواهی از تصمیم دادگاه تجدیدنظر پاریس، در مرکز بین‌المللی حل و فصل اختلافات راجع به سرمایه‌گذاری («ایکسید») نیز دعوایی را علیه دولت مصر بر اساس قانون شماره ۴۳ مصر مورخ ۱۹۷۴ اقامه کرد. دولت مصر نسبت به صلاحیت دیوان داوری «ایکسید» اعتراض نمود که این اعتراض صلاحیتی در تصمیم مقدماتی دیوان در تاریخ ۲۷ نوامبر ۱۹۸۵ و تصمیم نهایی دیوان در تاریخ ۱۴ آوریل ۱۹۸۸ رد گردید. در نتیجه، این دیوان در تاریخ ۲۰ مه ۱۹۹۲ دولت مصر را در ماهیت به پرداخت خسارت به خواهان محکوم نمود. ببینید:

ICSID Case No. ARB/84/3, 20 May 1992, Southern Pacific Properties (Middle East) Ltd. v. Arab Republic of Egypt, paras. 15, 24 and 257, available at: <http://icsid.worldbank.org/ICSID/FrontServlet>, last visited on May 14, 2013; See also: I.L.M., Vol. 32, No. 4, July 1993, pp. 933 et seq.; Y.C.A., Vol. XIX, 1994, pp. 51 et seq.; For excerpts translated into French, see: J.D.I., Vol. 121, Nº 1, 1994, pp. 229 et suiv., Observations de Emmanuel Gaillard.

دیوان تصمیم دادگاه تجدیدنظر پاریس را تایید و اعلام کرد که «ابهام عباراتی که قبل از امضای وزیر قید شده‌اند، نیازمند تفسیر است که دادگاه تجدیدنظر [در حکم خود] آن را صرفا دربردارنده مداخله مقام نظارتی دانسته است».[۲۳]

ب ـ پرونده «بازسازی جاده در کشور اتیوپی»

۱۳. گسترش شرط داوری مندرج در قرارداد منعقده بین شخص عمومی و شخص خارجی به دولت، به پرونده «پیرامید» محدود نشده است. در پرونده «بازسازی جاده در کشور اتیوپی» نیز دیوان داوری با تحلیل دقیق عوامل موضوعی پرونده و نقش طرفین اختلاف، دولت اتیوپی را به‌عنوان طرف پنهان قرارداد حاوی شرط داوری شناسایی کرد.

در این پرونده،[۲۴] مدیرعامل سازمان جاده‌های اتیوپی به منظور بازسازی یکی از جاده‌های اصلی و مهم در این کشور قراردادی را با پیمانکاری غربی منعقد کرد. در قرارداد، در کنار امضای مدیرعامل سازمان یاد شده مهر «دولت اتیوپی/سازمان جاده‌های اتیوپی» درج شده بود. از آنجا که پس از بروز اختلاف، پیمانکار غربی دعوای داوری را نه تنها علیه سازمان جاده‌های اتیوپی بلکه هم‌چنین علیه دولت اتیوپی اقامه نمود، دیوان داوری

23. Cass. (1re Ch. civ.), 6 Janvier 1987, Southern Pacific Properties Ltd. et Southern Pacific Ltd. c/ La République Arabe d'Egypte, Rev. arb., 1987, Nº 4, pp. 469 et suiv., spéc. p. 471, Note de Philippe Leboulanger; J.D.I., Vol. 114, Nº 3, 1987, pp. 638 et suiv., Note de Berthold Goldman; For excerpts translated into English, see: I.L.M., Vol. 26, 1987, pp. 1004 et seq.; Y.C.A., Vol. XIII, 1988, pp. 152 et seq.
24. ICC Case No. 9954, Final Award of 21 December 2001, Unpublished, cited in: Blessing, Marc, 'State Arbitrations: Predictably Unpredictable Solutions?', J. Int'l. Arb., Vol. 22, No. 6, 2005, pp. 473 et seq.

باید مشخص می‌کرد که ایا دولت اتیوپی نیز طرف واقعی قرارداد حاوی شرط داوری بوده است یا خیر.

۱۴. در سال ۲۰۰۱، دیوان داوری پس از تحلیل دقیق استقلال سازمانی سازمان جاده‌های اتیوپی بر اساس حقوق اداری و حقوق شرکت‌ها در اتیوپی، بر اهمیت ماهیت پروژه تاکید و اعلام کرد که موضوع قرارداد در این پرونده یعنی بازسازی جاده در اتیوپی از وظایف دولت به شمار می‌آید و با موضوع قراردادهای دیگر که در آن‌ها شخص دولتی صرفا به امور تجاری می‌پردازد، متفاوت است.[۲۵]

علاوه بر آن، دیوان داوری با ارزیابی دستورالعمل‌های اولیه‌ی مناقصه که در آن‌ها به اقدام دولت اتیوپی از طریق سازمان جاده‌های اتیوپی اشاره شده بود، تفاهم‌نامه‌ای که در آن دولت اتیوپی به‌عنوان کارفرمای پروژه توصیف شده بود، فرم‌های قراردادی متعددی که در آن‌ها نام مدیرعامل سازمان جاده‌های اتیوپی، وزیر کار و توسعه شهری و دولت اتیوپی درج شده بود، مهر نقش شده بر قرارداد و لوگوی آن، گواهی پرداخت به مهندس پروژه که ظاهر آن دلالت بر آن داشت که این سازمان بخشی از دولت اتیوپی است، معافیت‌های مالیاتی و معافیت از پرداخت تعرفه واردات و بسیاری از عوامل دیگر، دولت اتیوپی را به‌عنوان کارفرمای اولیه در این قرارداد قلمداد نمود.[۲۶]

در نهایت، دیوان داوری با در کنار هم قرار دادن تمام عوامل موضوعی به این نتیجه

25. Ibid., p. 474.
26. Ibid., pp. 474-475.

رسید که دولت اتیوپی در این پروژه مداخله‌ی مستقیم داشته و این پروژه بدون حمایت کامل این دولت محقق نمی‌گردید. به علاوه، دولت اتیوپی خود برای اجرای پروژه اقدام کرده و از سازمان جاده‌های اتیوپی تنها به‌عنوان رکن و نماینده خود استفاده کرده است.[۲۷] به این ترتیب، دیوان داوری صلاحیت خود را نسبت به دولت اتیوپی مورد تایید قرار داد.[۲۸]

ج ـ پرونده «دالا»

۱۵. بررسی رویه داوری بین‌المللی در مورد شناسایی اطراف پنهان قرارداد داوری در گروه دولتی عمودی بدون اشاره به پرونده مشهور «دالا» کامل نمی‌گردد. «دالا»، یکی از اعضای گروه تجارتی در عربستان سعودی است که به حاجیان مشرف به مکه ارایه‌ی خدمت می‌کند. در سال ۱۹۹۵، بین «دالا» و دولت پاکستان تفاهم‌نامه‌ای به امضا رسید که بر اساس آن، «دالا» متعهد به ساخت اماکنی برای زایرین پاکستانی در مکه گردید. در ژانویه ۱۹۹۶، دولت پاکستان به‌موجب حکمی نهادی را با عنوان «عوامی حج تراست»[۲۹] (تولیت) به‌عنوان شخص حقوقی مستقل با هدف تسهیل برگزاری مراسم حج ایجاد کرد. متعاقبا، تولیت با «دالا» قراردادی را منعقد نمود که حاوی شرط داوری ای. سی. سی. در

27. Ibid., p. 477.

۲۸. برای مطالعه استدلال‌های تفصیلی دیوان داوری در این پرونده، ببینید: مرادی، فهیمه، «گسترش قلمروی شخصی شرط داوری»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق تجارت بین‌الملل، استاد راهنما: آقای دکتر محمدعلی بهمئی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰، صص. ۸۰–۷۸.

29. Awami Haj Trust.

پاریس بود. این قرارداد نه به امضای دولت پاکستان رسید و نه در آن به نام این دولت تصریح گردید.

عدم تجدید حکم موسس تولیت سبب شد در تاریخ ۱۲ دسامبر ۱۹۹۶ این شخص منحل گردد. به دنبال تغییر دولت در پاکستان و بروز پاره‌ای اختلافات، «دالا» در تاریخ ۱۹ مه ۱۹۹۸ دعوای داوری را علیه دولت پاکستان با خواسته مطالبه خسارات ناشی از نقض قرارداد طرح نمود. اما، دولت پاکستان با این ادعا که طرف قرارداد حاوی شرط داوری نبوده، به صلاحیت دیوان داوری اعتراض کرد.[۳۰]

۱۶. دیوان داوری در این پرونده به منظور بررسی صلاحیت خود با اعمال اصول کلی فراملی به ارزیابی رفتار طرفین در چهار مرحله‌ی پیش از انعقاد قرارداد، انعقاد قرارداد، اجرای قرارداد و دوره پس از انحلال تولیت پرداخت. در مورد مرحله پیش از انعقاد قرارداد، دیوان به این نتیجه رسید که اساسا پروژه ساخت بناهای مسکونی برای حاجیان در عربستان سعودی از سوی وزیر امور مذهبی پاکستان اغاز گردیده است. او شخصا در مذاکرات مربوط به انعقاد تفاهم‌نامه شرکت کرده و موضوع این پروژه از جمله مسئولیت‌های وی بوده است. افزون بر آن، دولت پاکستان پس از امضای تفاهم‌نامه با دالا، به‌طور یک‌جانبه تصمیم گرفته که تولیت را ایجاد و وظایف ناشی از تفاهم‌نامه را به آن

30. Dallah Real Estate & Tourism Holding Co. v. Pakistan [2008] EWHC 1901 (Comm); [2009] 1 All E.R. (Comm) 505, per Aikens J. (August 1, 2008), cited in: Dundas, Hew R., 'The Pro-Enforcement Assumption of the New York Convention: But… Enforcement of Foreign Award Refused by English Court of Appeal: Dallah v. Pakistan', Arbitration, Vol. 75, No. 4, November 2009, pp. 556-557.

تفویض نماید؛ وظایفی که ماهیتی دولتی داشتند. به علاوه، حکم صادره در مورد ایجاد تولیت این اختیار را به دولت می‌داد که از تولیت برای انجام کلیه امور مربوط به مناسک حج استفاده نماید؛ امری که در نظر دیوان داوری موید مداخله مستمر دولت در فعالیت‌های تولیت است. در اخر، دیوان داوری به مداخله فعال وزیر امور مذهبی پاکستان در مذاکرات مربوط به انعقاد قرارداد حتی پس از ایجاد تولیت اشاره کرد. در مرحله امضای قرارداد نیز دو نکته توجه دیوان داوری را به خود جلب نمود: اول، اعطای اختیار از سوی دولت پاکستان به تولیت مبنی بر نهایی و اجرایی کردن قرارداد حاوی شرط داوری با دالا؛ دوم، درج ماده ۲۷ در قرارداد که به‌موجب آن، تولیت مجاز بوده حقوق و تعهدات ناشی از قرارداد را بدون موافقت قبلی دالا به دولت پاکستان منتقل کند. این مقرره نیز از نظر دیوان داوری رابطه نزدیک تولیت و دولت پاکستان را نشان می‌دهد. هم‌چنین در مرحله اجرای قرارداد عوامل مختلف دلالت بر آن داشت که دولت پاکستان قرارداد حاوی شرط داوری را متعلق به خود می‌دانسته است. از جمله، مکاتبات ارسال شده از سوی اشخاصی از وزارتخانه که هیچ ارتباطی با تولیت نداشته‌اند، عدم برخورداری تولیت از منابع مالی و قدرت تصمیم‌گیری در مورد نحوه هزینه آن‌ها و اعمال اراده دولت در انحلال تولیت که همگی نشان‌دهنده این واقعیت است که تولیت موجودی وابسته و پوسته‌ای توخالی برای اعمال اختیارات دولت پاکستان بوده است. افزون بر آن، دیوان داوری به برخی اقدامات این دولت پس از انحلال تولیت نیز توجه کرد: اول اینکه وزیر امور مذهبی پاکستان در نامه‌ای خطاب به دالا در مورد قرارداد (بدون هیچ اشاره‌ای به تولیت) اظهار نظر کرده است. در حالی‌که می‌توانست به اسانی این موضوع را مسکوت بگذارد. در واقع،

گویی دولت پاکستان خود را طرف این قرارداد می‌پنداشته است؛ دوم اینکه دولت پاکستان متعاقبا دعوایی را در ماهیت علیه دالا در دادگاه‌های پاکستان اقامه کرد. درنهایت، دیوان داوری مجموعه وقایع موضوعی یاد شده را برای گسترش شرط داوری به دولت پاکستان کافی قلمداد نمود[۳۱] و در ۲۶ ژوئن ۲۰۰۱ با صدور رای جزئی اول صلاحیت خود را نسبت به رسیدگی به ادعای «دالا» علیه دولت پاکستان تایید کرد.

۱۷. قابل توجه است که تصمیم دیوان داوری در مورد گسترش شرط داوری به دولت پاکستان، با درخواست شناسایی و اجرای ارای داوری از سوی «دالا» مورد مخالفت دادگاه‌های انگلستان قرار گرفت. اما، دادگاه تجدیدنظر پاریس با تایید تصمیم دیوان داوری درخواست دولت پاکستان را مبنی بر ابطال رای داوری رد کرد.[۳۲]

۱۸. با بررسی و مطالعه رویه داوری و قضایی ملاحظه می‌شود مسئله‌ی شناسایی دولت غیرامضاکننده به‌عنوان طرف پنهان قرارداد داوری پاسخ روشن و قاطعی ندارد و در واقع، این موضوع دایر بر مدار تفسیر اراده مشترک و متقابل طرفین است. دیوان داوری و یا دادگاه ملی باید هنگام تفسیر اراده طرفین در هر مورد به تمام عوامل و عناصر موضوعی قضیه با دقت و موشکافی تمام توجه نماید. این عناصر دربردارنده‌ی الفاظ و عبارات اسناد

31. Malek, Ali, and Harris, Christopher, 'A Pilgrimage to Paris: Dallah v. Pakistan', International Journal of Arab Arbitration, Vol. 2, Issue 4, 2010, pp. 26-31.

۳۲. برای مطالعه آرای قضایی صادره از دادگاه‌های بدوی، تجدیدنظر و دیوان‌عالی کشور انگلستان در مخالفت با گسترش شرط داوری به دولت پاکستان و نیز تصمیم دادگاه تجدیدنظر پاریس مبنی بر رد درخواست ابطال رای داوری از سوی دولت پاکستان، ببینید: مرادی، پیشین، صص. ۸۷-۸۱.

قراردادی، روح حاکم بر معامله و چارچوب روابط قراردادی طرفین است. البته مصونیت قضایی دولت موجب می‌شود دیوان‌های داوری نسبت به گسترش شرط داوری به دولت رغبت کم‌تری نشان دهند[۳۳] و صرفا در صورت احراز رضایت واقعی دولت غیرامضاکننده به داوری، آن را به‌عنوان طرف پنهان قرارداد داوری شناسایی کنند.

بند دوم ـ شخص عمومی دولتی به‌عنوان طرف پنهان قرارداد داوری

۱۹. گاه دولت خود به‌طور مستقیم با شخص خصوصی خارجی قرارداد حاوی شرط داوری منعقد می‌کند. در چنین فرضی، طرف دیگر قرارداد ممکن است به دلایل مختلف خواستار شناسایی شخص عمومی متبوع دولت به‌عنوان طرف پنهان قرارداد داوری گردد. در این حالت، دیوان داوری یا دادگاه ملی باید به تعیین اطراف واقعی قرارداد حاوی شرط داوری بپردازد.

۲۰. یکی از مواردی که در آن دیوان داوری با موضوع گسترش شرط داوری به شخص عمومی دولتی مواجه شده است، پرونده شماره ۴۷۲۷ ای. سی. سی. معروف به پرونده «شرکت سوئیس اویل علیه دولت گابن و پتروگب»[۳۴] می‌باشد. در این پرونده،

33. Derains,Yves, and Schwarz, Eric A., A Guide to the ICC Rules of Arbitration, Kluwer Law International, 2005, p. 93.
34. Arbitral Award of 3 April 1987, unpublished; aff'd. in: Paris (1re Ch. suppl.), 16 Juin 1988, Société Swiss Oil c/ Société Petrogab et République du Gabon (L'affaire "Swiss Oil/Gabon"), Rev. arb., 1989, № 2, pp. 309 et suiv., Note de Charles Jarrosson; For excerpts translated into English, see: Y.C.A., Vol. XVI, 1991, pp. 133 et seq.

دولت جمهوری گابن در تاریخ ۱۵ نوامبر ۱۹۷۹ قراردادی را با شرکت «سوئیس اویل» (شرکت خصوصی ثبت شده در جزایر کِیمن) با موضوع فروش نفت به مدت ده سال منعقد کرده بود. این قرارداد حاوی شرط داوری ای. سی. سی. در پاریس بود و قانون گابن به همراه قواعد و عرف‌های تجاری بین‌المللی که در سطح جهانی شناخته شده‌اند، بر آن حاکمیت داشتند.

با کاهش قیمت جهانی نفت، اختلافات بروز کرد و طرفین قرارداد با حضور شرکت ملی نفت گابن («پتروگب») مذاکرات را اغاز کردند که منجر به انعقاد توافق‌نامه الحاقی مورخ ۱۵ اوریل ۱۹۸۲ گردید. این توافق‌نامه‌ی که فاقد شرط داوری بود، به امضای نماینده شرکت «سوئیس اویل» از یک طرف و نماینده دولت گابن، وزیر معادن و نفت گابن و مدیرعامل شرکت «پتروگب» از طرف دیگر رسید. لازم به ذکر است که مدیرعامل شرکت «پتروگب» این توافق‌نامه را با قید سمت خود در شرکت و درج عبارت «از طرف جمهوری گابن» امضا کرد.[۳۵]

به دنبال نقض تعهد از سوی طرفین، شرکت «سوئیس اویل» دعوای داوری را همزمان علیه دولت گابن و شرکت «پتروگب» اغاز و از دیوان داوری محکومیت خواندگان را به پرداخت خسارت درخواست کرد. در نتیجه، شرکت «پتروگب» صلاحیت دیوان داوری را مورد اعتراض قرار داد.

۲۱. دیوان داوری در مقام بررسی صلاحیت خود نسبت به شرکت «پتروگب» چنین

35. Rev. arb., op. cit., p. 310.

استدلال کرد که با توجه به انکه قرارداد اول تنها بین دولت گابن و شرکت «سوئیس اویل» منعقد شده و «پتروگب» قرارداد یاد شده را منعقد و امضا نکرده است، هم‌چنین با لحاظ اینکه مداخله «پتروگب» در قرارداد دوم تنها در مقام نماینده اجرایی دولت صورت گرفته است، نمی‌توان بین این شرکت و شرط داوری ارتباط برقرار کرد. ضمن انکه، رابطه بین این شرکت و دولت گابن به گونه‌ای نیست که بتوان بر اساس تئوری «گروه شرکت‌ها» شرط داوری را به آن گسترش داد.[۳۶] دیوان داوری هم‌چنین اعلام کرد که صرف درج تعهدی به نفع «پتروگب» در قرارداد، برای اینکه او را طرف شرط داوری کند، کافی نیست.[۳۷] در نتیجه، دیوان داوری صلاحیت خود را نسبت به شرکت «پتروگب» رد نمود.

۲۲. تصمیم دیوان داوری مبنی بر رد صلاحیت خود نسبت به شرکت «پتروگب» مورد اعتراض شرکت «سوئیس اویل» قرار گرفت. این شرکت با این استدلال که در قرارداد دوم به قدر کافی بین آن و شرکت «پتروگب» روابط حقوقی برقرار شده که شرط داوری نسبت به شرکت «پتروگب» هم قابل استناد باشد، ابطال رای داوری را از دادگاه تجدیدنظر پاریس درخواست کرد.[۳۸]

۲۳. دادگاه تجدیدنظر پاریس با بررسی دقیق روابط طرفین اعلام کرد با وجود انکه شرکت «پتروگب» در زمان انعقاد قرارداد اول ایجاد شده بود، در انعقاد آن قرارداد

36. Ibid., p. 313.
37. Fouchard Gaillard Goldman on International Commercial Arbitration, Gaillard, Emmanuel, and Savage, John (eds.), Wolters Kluwer Law and Business, Kluwer Law International, 1999, p. 297.
38. L'affaire "Swiss Oil/Gabon", op. cit., p. 314.

مشارکت نداشته است. افزون بر آن، مداخله «پتروگب» در مذاکرات قرارداد دوم نیز در نظر هیچ یک از طرفین با این هدف صورت نگرفته که آن شرکت جانشین دولت گابن گردد. دادگاه سپس افزود که واقعیت این است که دولت گابن قرارداد را به نام خود و با تصریح به سمت تجاری خود منعقد کرده و روابط حقوق عمومی نمی‌تواند شرکت «پتروگب» را در این رابطه حقوقی دخیل کند. هم‌چنین، «نقش ایفا شده از سوی این شرکت نیز بر اراده مشترک دولت گابن و «پتروگب» مبنی بر منتفع شدن این شرکت از حقوق قراردادی دولت گابن دلالت نمی‌کند».[۳۹] در نتیجه، این دادگاه تصمیم دیوان داوری را در رد صلاحیت خود نسبت به شرکت «پتروگب» مورد تایید قرار داد.

۲۴. با مطالعه رای دیوان داوری و تصمیم دادگاه تجدیدنظر پاریس در پرونده «شرکت سوئیس اویل علیه دولت گابن و پتروگب» می‌توان گفت که گسترش شرط داوری مندرج در قرارداد بین دولت و شخص خارجی به شخص عمومی تحت تملک یا کنترل دولت نیز کاملا به تفسیر اراده طرفین به منظور تعیین اطراف واقعی قرارداد حاوی شرط داوری بستگی دارد. تحلیل دقیق کلیه عوامل موضوعی هر پرونده و چارچوب روابط قراردادی طرفین به دیوان داوری این امکان را می‌دهد که تعیین کند ایا اراده مشترک طرفین این بوده که شخص عمومی نیز طرف قرارداد حاوی شرط داوری و ملزم به آن باشد یا خیر.

39. Ibid.

گفتار دوم ـ گروه دولتی افقی

۲۵. در گروه دولتی افقی که دو یا چند دولت شخصیت حقوقی مستقلی را ایجاد می‌کنند، پرسش قابل طرح آن است که ایا آثار شرط داوری مندرج در قراردادی که شخص حقوقی با شخص ثالث منعقد می‌کند، به دولت‌های موسس آن تسری می‌یابد؟ به عبارت دیگر، ایا می‌توان دولت‌های موجد شخص حقوقی را طرف پنهان قرارداد حاوی شرط داوری که به امضای آن‌ها نرسیده است، شناخت؟

۲۶. این موضوع به تفصیل در پرونده «وستلند» مورد بررسی دیوان داوری و مراجع قضایی سوئیس قرار گرفته است. در این پرونده، چهار دولت عربی شخصیت حقوقی مستقلی را ایجاد کردند که مبادرت به انعقاد قراردادهای مختلف نمود. از آنجا که در یکی از این قراردادها شرط داوری ای. سی. سی. گنجانده شده بود، پرسش طرح شده نزد دیوان داوری این بود که ایا دیوان داوری نسبت به دولت‌های عربی موسس این شخص حقوقی که قرارداد حاوی شرط داوری را به‌طور مستقیم منعقد نکرده‌اند، صلاحیت دارد؟ دیوان داوری صلاحیت خود را نسبت به دولت‌های موسس شخص حقوقی احراز و با گسترش شرط داوری به آن‌ها موافقت کرد (بند اول). اما، با اعتراض یکی از دولت‌های عربی به رای داوری راجع به صلاحیت، دادگاه عدالت ژنو و دیوان‌عالی فدرال سوئیس مخالفت خود را با شناسایی دولت‌های موسس به‌عنوان اطراف پنهان قرارداد داوری ابراز داشتند (بند دوم). سایر دولت‌های عربی پس از صدور رای داوری نهایی، به صلاحیت دیوان داوری نسبت به خود اعتراض کردند و این بار دیوان‌عالی فدرال سوئیس صلاحیت دیوان داوری را نسبت به آن‌ها تایید نمود (بند سوم).

بند اول ـ موافقت دیوان داوری با شناسایی دولت‌های موسس به‌عنوان اطراف پنهان قرارداد داوری

۲۷. در پرونده «وستلند»،[۴۰] چهار دولت عربی مصر، عربستان سعودی، امارات متحده عربی و قطر در تاریخ ۲۹ اوریل ۱۹۷۵ موافقت‌نامه‌ای را منعقد کردند و به‌موجب آن، «سازمان عربی صنعتی‌سازی» («ای. ا. ای.») را با هدف تقویت صنایع نظامی خود به‌وجود آوردند. این سازمان از سوی کمیته‌ای عالی که متشکل از وزرای منتخب چهار دولت عضو بود، اداره می‌گردید. کمیته عالی، علاوه بر تدوین اساسنامه سازمان که به تایید دولت‌های عضو رسید، در تاریخ ۴ ژانویه ۱۹۷۸ با دولت بریتانیا تفاهم‌نامه‌ای[۴۱] را به امضا رسانید که بر اساس آن، چهار دولت عربی اجرای تعهداتی را که «ای. ا. ای.» یا شرکت‌های تحت کنترل آن در برابر شرکت‌های بریتانیایی به عهده می‌گرفتند، تضمین کردند.[۴۲]

در ۲۷ فوریه ۱۹۷۸، «ای. ا. ای.» با شرکت بریتانیایی «وستلند هلیکاپترز» («وستلند») موافقت‌نامه‌ای را منعقد کرد که به‌موجب آن، شرکت سهامی مشترکی با نام «عرب ـ بریتیش هلیکاپتر کامپنی» («ای. بی. اچ.») ایجاد شد که هفتاد درصد از سهام آن متعلق به

40. Sentence arbitrale préjudicielle de la C.C.I. dans l'affaire nº 3879, 5 Mars 1984, Westland Helicopters Ltd. c/ Arab Organization for Industrialization (A.O.I.), Emirats Arabes Unis, Royaume d'Arabie Saoudite, Qatar, République Arabe d'Egypte, Arab British Helicopter Company (A.B.H.) (L'affaire "Westland"), Rev. arb., 1989, Nº 3, pp. 547 et suiv.; J.D.I., Vol. 112, Nº 1, 1985, pp. 232 et suiv.; For excerpts translated into English, see: I.L.M., Vol. 23, 1984, pp. 1071 et seq.; Y.C.A., Vol. XI, 1986, pp. 127 et seq.
41. Memorandum of Understanding (M.O.U.).
42. Rev. arb., op. cit., p. 548.

«ای. ا. ای.» بود و مابقی آن به شرکت «وستلند» اختصاص داشت.[۴۳]

پس از امضای توافق‌نامه‌های «کمپ دیوید» در تاریخ ۱۷ دسامبر ۱۹۷۸، سه دولت عربی عربستان سعودی، امارات متحده عربی و قطر تصمیم گرفتند که سازمان «ای. ا. ای.» را منحل کرده و از ادامه سرمایه‌گذاری در آن امتناع ورزند. اما، دولت مصر در ۱۸ مه ۱۹۷۹ اعلام کرد که سازمان «ای. ا. ای.» که مقر آن در قاهره است، به‌عنوان شخص حقوقی مستقل به حیات خود ادامه می‌دهد.[۴۴]

به دنبال تصمیم سه دولت عربی، شرکت «وستلند» در تاریخ ۱۲ مه ۱۹۸۰ دعوای داوری را نه تنها علیه «ای. ا. ای.» (تنها طرف موافقت‌نامه حاوی شرط داوری) بلکه هم‌چنین علیه چهار دولت عربی و «ای. بی. اچ.» نزد دیوان داوری ای. سی. سی. در پاریس اغاز کرد.[۴۵]

۲۸. دیوان داوری در مقام بررسی صلاحیت خود نسبت به دولت‌های عربی چنین اظهار داشت: «اینکه چهار دولت عربی به‌طور مستقیم قراردادی را با «وستلند» امضا نکرده‌اند، استدلال کافی برای نادیده گرفتن تعهد آن‌ها به داوری نیست»؛ چراکه در شرایط خاصی مانند جانشینی یا قائم مقامی ممکن است اشخاصی که شرط داوری را امضا نکرده‌اند، به آن مرتبط شوند. در این پرونده، «شرط داوری چهار دولت عربی را نیز متعهد می‌کند. این تعهد به داوری برای آن‌ها نه از اقدام «ای. ا. ای.» به نمایندگی از جانب چهار

43. Ibid.
44. Ibid., pp. 548-549.
45. Ibid., p. 549.

دولت، بلکه از این واقعیت که این سازمان معرف آن‌ها است، ناشی می‌شود».[۴۶]

دیوان داوری سپس به بررسی ماهیت حقوقی سازمان «ای. ا. ای.» پرداخت و با بررسی اسناد موسس آن به این نتیجه رسید که دولت‌های عضو می‌خواسته‌اند با استثنا کردن حاکمیت هر قانون ملی بر این سازمان، به آن ماهیتی فراملی دهند.[۴۷]

دیوان در ادامه چنین مقرر کرد: «در نبود شرطی که مسئولیت چهار دولت را به‌طور صریح یا ضمنی استثنا کند، این مسئولیت باقی است. زیرا طبق قاعده‌ای عمومی، چنین فرض می‌شود که اشخاصی که در معاملات اقتصادی درگیر می‌شوند، در برابر تعهدات ناشی از آن‌ها پاسخ‌گو هستند. با توجه به عدم سلب مسئولیت از چهار دولت به‌طور رسمی، اشخاص ثالثی که با «ای. ا. ای.» قرارداد منعقد کرده‌اند، می‌توانسته‌اند به نحو مشروعی بر این امر اتکا کنند».[۴۸]

دیوان در پایان ضمن اعلام اینکه محرومیت «وستلند» از طرح دعوای داوری علیه چهار دولت موجب استنکاف واقعی از احقاق حق خواهد بود، بیان کرد که «انصاف، همانند اصول حقوق بین‌الملل، اجازه می‌دهد که برای حمایت از اشخاص ثالث در برابر سوءاستفاده‌ای که به ضرر آن‌ها انجام شده، پوشش شخصیت حقوقی شرکت کنار زده شود ...».[۴۹] درنهایت، دیوان داوری در جست و جوی اراده طرفین با تکیه بر دو معیار

46. Ibid., pp. 551-552.
47. Ibid., pp. 552-553.
48. Ibid., p. 555.
49. Ibid., p. 557.

سوءاستفاده از شخصیت حقوقی و حمایت از باور اشخاص ثالث، صلاحیت خود را نسبت به چهار دولت عربی احراز کرد.

۲۹. اما، به تصمیم دیوان داوری درخصوص صلاحیت انتقادهایی وارد است: اول اینکه، به نظر می‌رسد دیوان در احراز اراده واقعی طرفین به قدر کفایت دقت نکرده است؛ چراکه نه تنها استقلال شخصیت حقوقی «ای. ا. ای.» را برای سلب مسئولیت از دولت‌های عضو کافی ندانسته، بلکه فرض را بر مسئولیت دولت‌های موسس گذاشته است. حال انکه هدف اصلی دولت‌های عضو از ایجاد شخصیت حقوقی مستقل با ماهیت فراملی که تابع هیچ نظام حقوقی داخلی نبوده و به لحاظ مالی، اداری و سازمانی از استقلال کامل برخوردار باشد، صرفا این بوده که خود را از قید هرگونه مسئولیت نسبت به اعمال آن برهانند. دوم اینکه، حتی اگر ادله حقوقی دلالت بر مسئولیت دولت‌های موسس در برابر اشخاص ثالث داشته باشد، این به معنای التزام آن‌ها به شرط داوری منعقد شده از سوی «ای. ا. ای.» نیست؛ چراکه نباید بین مسئولیت و التزام به داوری خلط کرد. سوم انکه، دیوان داوری در تصمیم خود بدون احراز شرایط استثنایی اعمال دکترین «خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت» دولت‌های عضو را ملزم به شرط داوری منعقد شده از سوی سازمان «ای. ا. ای.» قلمداد کرده است.

بند دوم ـ مخالفت دادگاه عدالت ژنو و دیوان‌عالی فدرال سوئیس با شناسایی دولت‌های موسس به‌عنوان اطراف پنهان قرارداد داوری

۳۰. به دنبال صدور رای جزئی دیوان داوری درخصوص صلاحیت، دولت مصر،

«ای. ا. ای.» و «ای. بی. اچ.» از دادگاه عدالت ژنو در سوئیس ابطال رای داوری را درخواست کردند.[۵۰] دادگاه عدالت ژنو ابتدا به درستی خاطرنشان ساخت که «مسئولیت دولت‌های ایجادکننده‌ی «ای. ا. ای.» در برابر تعهداتی که این سازمان پذیرفته، نمی‌تواند نبود شرط داوری را که به امضای دولت‌های مزبور رسیده باشد، جبران کند».[۵۱]

این دادگاه با بررسی اسناد موسس «ای. ا. ای.» به این نتیجه رسید که این سازمان از شخصیت حقوقی مستقل و استقلال اداری و مالی کامل برخوردار بوده و شخص حقوقی تابع حقوق بین‌الملل عمومی است. دادگاه عدالت ژنو در مورد مسئولیت دولت‌ها نیز اعلام کرد که آن‌ها به‌موجب اساسنامه جز تعهدات مالی در برابر «ای. ا. ای.» مسئولیت دیگری نداشته‌اند[۵۲] و سپس چنین افزود:

«اینکه چهار دولت با مشارکت در عملیات تجاری به صورت بالفعل از مصونیت خود چشم‌پوشی نمایند، تنها در صورتی صحت دارد که دولت‌ها به‌طور مستقیم متعهد شده باشند. اما، در این پرونده، آن‌ها سازمانی با شخصیت حقوقی ایجاد کرده‌اند که به جای آن‌ها مسئول باشد. این سازمان است، و نه آن‌ها، که قرارداد حاوی شرط داوری را امضا

50. Cour de Justice du Canton de Genève, 3 Novembre 1987, The Arab Organization for Industrialization (A.O.I.), A.B.H. et République Arabe d'Egypte c/ Westland Helicopters Ltd., Emirats Arabes Unis, Royaume d'Arabie Saoudite et Etat du Qatar (L'affaire "Westland" - Cour de Justice de Genève), Rev. arb., 1989, Nº 3, pp. 514 et suiv.; For excerpts translated into English, see: I.L.M., Vol. 28, 1989, pp. 688 et seq.; Y.C.A., Vol. XVI, 1991, pp. 174 et seq.
51. Rev. arb., op. cit., p. 518.
52. Ibid., p. 519.

می‌کند».[۵۳]

در نتیجه، دادگاه عدالت ژنو با استدلال‌های پیش‌گفته رای دیوان داوری را مبنی بر اعمال صلاحیت نسبت به چهار دولت عربی ابطال و اعلام کرد که این تصمیم تنها نسبت به دولت مصر موثر است و نسبت به سه دولت دیگر که در جریان ابطال رای داوری شرکت نکرده‌اند، بی‌تاثیر است.[۵۴]

۳۱. تصمیم دادگاه عدالت ژنو مبنی بر ابطال جزئی رای داوری نسبت به دولت مصر از سوی شرکت «وستلند» در دیوان‌عالی فدرال سوئیس مورد اعتراض قرار گرفت.[۵۵]

۳۲. دیوان‌عالی فدرال سوئیس ابتدا با بررسی سند موسس و اساسنامه «ای. ا. ای.» چنین مقرر داشت:

«شخصیتی که «ای. ا. ای.» به آن مجهز شده، هم‌چنین استقلالی که از نظر حقوقی، مالی و شکلی به آن اعطا شده است ... نشانه‌های روشن و بدون ابهامی بر استقلال کامل حقوقی این سازمان از دولت‌های موسس آن هستند. این استقلال مانع از آن است که بتوان قراردادهایی را که او با اشخاص ثالث منعقد می‌کند و به‌طور خاص، شروط داوری را که امضا می‌نماید، اعمالی توصیف کرد که از سوی نماینده یا ارگانی صورت می‌پذیرند که

53. Ibid., pp. 521-522.
54. Ibid.
55. Tribunal Fédéral Suisse (1re Cour civ.), 19 Juillet 1988, (L'affaire "Westland" - Tribunal Fédéral Suisse I), Rev. arb., 1989, N° 3, pp. 525 et suiv.; For excerpts translated into English, see: I.L.M., Vol. 28, 1989, pp. 691 et seq.; Y.C.A., Vol. XVI, 1991, pp. 180 et seq.

دولت‌های موسس را متعهد کنند».[۵۶]

دیوان در ادامه به بیان اصول حاکم بر قراردادهای دولتی به‌موجب حقوق سوئیس و فرانسه پرداخت و خاطرنشان ساخت که کنترل شدید شخص حقوقی از سوی دولت برای معکوس کردن این فرض که فقط شرکتی که شرط داوری را امضا کرده، طرف داوری محسوب می‌شود، کافی نیست. به علاوه، در صورتی که شرکت به دولتی که سرمایه آن را به‌طور جزئی تامین می‌کند، بر آن نظارت دارد، آن را کنترل می‌نماید و اصول رفتاری کاملا مشخصی را بر آن تحمیل می‌کند وابستگی داشته باشد، ولی بر اساس اساسنامه خود از شخصیت حقوقی مستقلی برخوردار باشد، استقلال شخصیت حقوقی آن ترجیح داده می‌شود. هم‌چنین، برای تشخیص واقعیت باید دید که ایا اعطای اختیار از سوی دولت به شخص عمومی مبنی بر انعقاد قرارداد مورد اختلاف دلالت بر آن دارد که دولت نمی‌خواسته خود شرط داوری را بپذیرد.[۵۷] درنهایت، دیوان‌عالی فدرال سوئیس استدلال‌های دادگاه عدالت ژنو را مورد تایید قرار داد.

بند سوم ـ موافقت دیوان‌عالی فدرال سوئیس با شناسایی دولت‌های موسس به‌عنوان اطراف پنهان قرارداد داوری

۳۳. از آنجا که رای جزئی دیوان داوری راجع‌به صلاحیت صرفا نسبت به دولت مصر

56. Rev. arb., op. cit., p. 526.
57. Ibid., pp. 526-527.

ابطال گردید، دیوان داوری در تاریخ ۲۱ ژوئن ۱۹۹۱ با صدور رای جزئی دیگری در ماهیت اعلام کرد که قراردادهای مختلفی که «وستلند» با «ای. ا. ای.» و «ای. بی. اچ.» منعقد کرده، کل تجزیه‌ناپذیری را شکل می‌دهند و «ای. ا. ای.» مسئول عدم اجرای آن‌ها شناخته می‌شود. دیوان در این رای، سازمان «ای. ا. ای.» را همراه با دولت‌های عربستان سعودی، امارات متحده عربی و قطر مسئول جبران خسارات وارده به شرکت «وستلند» اعلام کرد.[۵۸]

۳۴. در مقابل، سه دولت عربی یاد شده با انکار هرگونه ارتباط خود با شروط داوری مندرج در قراردادهایی که بین «وستلند» و «ای. ا. ای.» یا «ای. بی. اچ.» منعقد شده بودند، نسبت به صلاحیت دیوان داوری اعتراض کردند.[۵۹] این دولت‌ها با استناد به استقلال حقوقی سازمان «ای. ا. ای.» و اصل نسبی بودن تعهدات قراردادی ادعا کردند که دیوان داوری با مسئول شناختن دولت‌های عضو به تبع این سازمان، نظم عمومی سوئیس و نظم عمومی بین‌المللی را نقض کرده است.[۶۰]

۳۵. دیوان‌عالی فدرال چنین استدلال کرد که شناسایی مسئولیت تبعی برای دولت‌ها در برابر «وستلند» خلاف هیچ اصل بنیادین حقوقی و اخلاقی در نظام ارزش‌های سوئیس و یا در سطح فراملی نیست[۶۱] و سپس چنین افزود:

58. ICC Award No. 3879, 28 June 1993, unpublished, cited in: ASA Bull., Vol. 13, No. 2, 1995, p. 187.
59. Tribunal Fédéral Suisse (1re Cour civ.), 19 Avril 1994, (L'affaire "Westland" - Tribunal Fédéral Suisse II), ASA Bull., Vol. 12, Nos. 3-4, 1994, pp. 404 et suiv., spéc. p. 406.
60. Ibid., p. 420.
61. Ibid.

«هیچ اصل بنیادین حقوقی خلاف این مفهوم نیست که ارتباط یا وابستگی اقتصادی می‌تواند موجب خلق روابط حقوقی گردد یا اینکه واحد اقتصادی، سبب نسبی شدن استقلال حقوقی می‌گردد. بر این اساس، می‌توان تئوری وسیله در مورد دولت[۶۲] را با نظم عمومی منفی سازگار یافت؛ تئوری که اجازه می‌دهد دولت مسئول تعهدات قراردادی شرکت‌هایی شناخته شود که از نظر حقوقی مستقل از آن هستند، ولی کاملا تحت کنترل آن می‌باشند ...» (تاکید از نویسنده است).[۶۳]

دیوان هم‌چنین اعلام کرد که مسئولیت تبعی دولت‌ها بیش از هر چیز از باوری که آن‌ها با رفتار خود در طرف دیگر قرارداد ایجاد کرده‌اند، ناشی می‌شود.[۶۴] به این ترتیب، دیوان‌عالی فدرال سوئیس بر دو مبنا تصمیم دیوان داوری دایر بر گسترش شرط داوری به سه دولت عربی را مورد تایید قرار داد: اول، مفهومی که مبتنی بر ارتباط یا وابستگی

62. Instrumentality of the State, in French: Émanation d'Etat.
این اصطلاح به شرکت‌های دولتی و نهادهای اداری اطلاق می‌شود که علی‌رغم برخورداری از شخصیت حقوقی مستقل، رکن، ابزار یا وسیله دولت به شمار می‌آیند و از استقلال واقعی مالی و مدیریتی نسبت به دولت برخوردار نیستند. در حقوق فرانسه، نخستین بار در دهه ۱۹۷۰ به دنبال جریان‌های ملی کردن با استفاده از این مفهوم تلاش شد با خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت‌های دولتی، دولت مسئول جبران خسارات ناشی از ملی کردن قلمداد شود. ببینید:
Romero, Eduardo Silva, 'Are States Liable for the Conduct of Their Instrumentalities? ICC Case Law', in: Gaillard, Emmanuel, and Younan, Jennifer (eds.), State Entities in International Arbitration, IAI Series on International Arbitration, No. 4, Juris Publishing, 2008, pp. 35-36.
63. L'affaire "Westland" - Tribunal Fédéral Suisse II, op. cit., p. 422.
64. Ibid.

اقتصادی بوده و از آن به تئوری «وسیله» یاد می‌شود. دوم، رفتار دولت‌های موسس که در طرف دیگر با حسن نیت قرارداد این باور را ایجاد می‌کند که دولت‌های یاد شده نیز طرف معامله هستند.

۳۶. به نظر می‌رسد اگرچه توجه به واقعیات اقتصادی در تفسیر حقوقی منجر به ارایه‌ی تفسیری کارامد و سازگار با مقتضیات دنیای تجارت بین‌الملل می‌گردد، این امر نباید به بهای نادیده انگاشتن اصول و قواعد حقوقی مانند اصل نسبی بودن قراردادها صورت پذیرد، زیرا همان‌طور که دیوان‌عالی فدرال سوئیس نیز در رای اول خود در این پرونده تصریح کرده بود، صرف کنترل دولت بر شخص حقوقی نادیده گرفتن استقلال شخصیت حقوقی آن را توجیه نمی‌نماید. مضافا اینکه حتی شناسایی مسئولیت برای دولت نسبت به اعمال شخص حقوقی تحت تملک یا کنترل آن برای احراز اعراض دولت از مصونیت قضایی خود و ملزم دانستن آن به داوری کفایت نمی‌کند.

نتیجه‌گیری

۳۷. شناسایی اطراف پنهان قرارداد داوری در گروه دولت‌ها تابع تفسیر و کشف اراده‌ی واقعی و مشترک طرفین در پرتوی تحلیل عمیق کلیه‌ی عوامل موضوعی دخیل در قضیه است. در واقع، دیوان داوری یا دادگاه ملی باید به بررسی این موضوع بپردازد که ایا قصد و اراده مشترک طرفین و انتظارات مشروع و منصفانه آن‌ها این بوده که شخص غیرامضاکننده اعم از دولت یا شخص عمومی دولتی نیز طرف قرارداد حاوی شرط داوری باشد؟

۳۸. باید توجه داشت که در گروه دولت‌ها اعم از گروه دولتی عمودی و گروه دولتی افقی، استقلال شخصیت حقوقی شخص عمومی به تنهایی برای معاف دانستن دولت یا دولت‌های موسس از مسئولیت و التزام به داوری کافی نیست. با وجود این، صرف کنترل و نظارت دولت یا دولت‌های موسس بر شخص حقوقی نیز آن‌ها را طرف قرارداد حاوی شرط داوری نمی‌کند.

۳۹. شناسایی دولت یا شخص عمومی به‌عنوان طرف پنهان قرارداد داوری منوط به تفسیر روابط سازمانی موجود بین دولت یا دولت‌های موسس با شخص عمومی به‌موجب اسناد موسس، اساسنامه و یا حقوق اداری و حقوق شرکت‌های حاکم بر شخص عمومی، استقلال حقوقی، مالی، اداری و مدیریتی شخص حقوقی، میزان اختیارات و استقلال عمل آن، منبع تامین درآمد و محل هزینه آن، کارکرد و اهداف آن، سهم دولت یا دولت‌ها در سرمایه آن و شیوه کنترل و نظارت دولت یا دولت‌ها بر آن است. به علاوه، تجزیه و تحلیل قرارداد خاص منعقد شده و توجه به موضوع و هدف آن، نقش و رفتار دولت یا دولت‌ها و

یا شخص عمومی در کلیه مراحل مذاکره، انعقاد، اجرا و یا خاتمه قرارداد از اهمیت به‌سزایی در این خصوص برخوردار است.

۴۰. با توجه به مصونیت قضایی دولت‌ها به‌موجب حقوق بین‌الملل، شناسایی دولت یا دولت‌هایی که به‌طور مستقیم طرف قرارداد حاوی شرط داوری قرار نگرفته‌اند و به‌طور صریح از مصونیت خود اعراض نکرده‌اند، به‌عنوان طرف پنهان قرارداد داوری چندان قابل پذیرش نیست. اگرچه اصل «حسن نیت» ایجاب می‌کند که قلمروی شرط داوری به دولت یا دولت‌هایی که قرارداد حاوی شرط داوری را امضا نکرده‌اند، اما با مداخله فعال و موثر خود در مراحل مختلف قرارداد قصد جدی خود را مبنی بر طرف معامله بودن ابراز داشته‌اند، گسترش یابد. در چنین مواردی که اراده واقعی دولت یا دولت‌ها احراز شده و شخص ثالث با حسن نیت بر اعمال و رفتارهای ابراز شده اعتماد کرده، انتظار مشروع طرف مقابل به قصد و اراده دولت تعبیر می‌گردد.

۴۱. مطالعه رویه داوری و قضایی در مورد گروه دولت‌ها نشان می‌دهد که دیوان‌های داوری اغلب تمایل بیشتری به حمایت از منافع شرکت‌های خارجی طرف قراردادهای دولتی نشان داده و با تفسیر موسع شروط داوری تلاش می‌کنند دولت‌ها را نیز ملزم به داوری نمایند؛ در مقابل، قضات دولتی معمولا با تفسیر مضیق شروط داوری بر خصوصیت مداخله‌ی دولت‌ها در روابط اقتصادی بین‌المللی و مصونیت قضایی دولت‌ها تاکید کرده و آن‌ها را جز در صورتی که به‌طور مستقیم طرف قرارداد حاوی شرط داوری باشند، ملزم به داوری نمی‌شناسند.

۴۲. به نظر می‌رسد امنیت روابط تجاری بین‌المللی و افزایش قابلیت پیش‌بینی در این

خصوص اقتضا دارد که داوران و قضات ملی به دور از پیش‌داوری و تعصب به احراز اراده‌ی واقعی اطراف رابطه حقوقی بپردازند. همچنین لازم است قواعد ناظر بر شناسایی اعضای غیرامضاکننده‌ی گروه دولت‌ها به‌عنوان طرف پنهان قرارداد داوری از سوی دکترین، رویه داوری و قضایی روشن‌تر شده و هماهنگی لازم در این مورد ایجاد گردد.

منابع

الف: فارسی

۱. محبی، محسن، «نظام داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی»، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره بیست و چهارم، ۱۳۷۸، صص. ۱۱۹-۳۱.

۲. مرادی، فهیمه، گسترش قلمروی شخصی شرط داوری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق تجارت بین‌الملل، استاد راهنما: اقای دکتر محمدعلی بهمئی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰.

ب: انگلیسی

A. Books and Articles

1. Blessing, Marc, 'State Arbitrations: Predictably Unpredictable Solutions?', J. Int'l. Arb., Vol. 22, No. 6, 2005, pp. 435-486.
2. Born, Gary B., *International Commercial Arbitration*, Vol. I, Kluwer Law International, The Netherlands, 2009.
3. Derains,Yves, and Schwarz, Eric A., *A Guide to the ICC Rules of Arbitration*, Kluwer Law International, 2005.
4. Dundas, Hew R., 'The Pro-Enforcement Assumption of the New York Convention: But… Enforcement of Foreign Award Refused by English Court of Appeal: *Dallah v. Pakistan*', Arbitration, Vol. 75, No. 4, November 2009, pp. 556-565.
5. *Fouchard Gaillard Goldman on International Commercial Arbitration*, Gaillard, Emmanuel, and Savage, John (eds.), Wolters Kluwer Law and Business, Kluwer Law International, 1999.
6. Hanotiau, Bernard, 'Multiple Parties and Multiple Contracts in International Arbitration', in: Macmahon, Belinda (ed.), *Multiple Party Actions in International Arbitration*, Oxford University Press, 2009, pp. 35-68.
7. Lew, Julian D.M., Mistelis, Loukas A., Kröll, Stefan M., *Comparative International Commercial Arbitration*, Kluwer Law International, 2003.

8. Malek, Ali, and Harris, Christopher, 'A Pilgrimage to Paris: Dallah v. Pakistan', International Journal of Arab Arbitration, Vol. 2, Issue 4, 2010, pp. 23-55.
9. Romero, Eduardo Silva, 'Are States Liable for the Conduct of Their Instrumentalities? ICC Case Law', in: Gaillard, Emmanuel, and Younan, Jennifer (eds.), *State Entities in International Arbitration*, IAI Series on International Arbitration, No. 4, Juris Publishing, 2008, pp. 31-55.
10. Rosenberg, George, 'State as Party to Arbitration', Arbitration International, Vol. 20, No. 4, 2004, pp. 387-409.

B. International Instruments

11. ICC - International Chamber of Commerce Arbitration Rules 1998, came into effect on 1 January 1998, available at: <http://www.jus.uio.no/lm/icc. arbitration. rules.1998/>, last visited on May 16, 2013.
12. The New ICC Arbitration Rules, 12 September 2011, in force as from 1 January 2012, available at: http://www.iccwbo.org/products-and-services/ arbitration- and-adr/arbitration/icc-rules-of-arbitration/, last visited on May 15, 2013.
13. UN Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards (New York, 10 June 1958), available at: <http://treaties.un.org/doc/ Publication/ UNTS/Volume%20330/ volume-330-I-4739-English.pdf>, last visited on January 27, 2013.

ج: فرانسه

1. Leboulanger, Philippe, 'Etat, politique et arbitrage - L'affaire du Plateau des Pyramides', Rev. arb., 1986, Nº 1, pp. 3-28.
2. Leboulanger, Philippe, 'Groupes d'etat(s) et arbitrage', Rev. arb., 1989, Nº 3, pp. 415-443.
3. Poudret, Jean-François, et Besson, Sébastien, *Droit comparé de l'arbitrage international*, L.G.D.J., Paris, 2002.